

موسم انتخابات و مخالفت اکبر گنجی با تحریم

رضا مقدم – ۳۱ مارس ۲۰۱۷

موسم انتخابات رژیم اسلامی است و اکبر گنجی از فعالین شعبه خارج کشور سبز و اصلاح طلبان دوباره حمله رندانه به تحریم کنندگان انتخابات را شروع کرده است. از آنجا که انتخابات مدل رژیم اسلامی مادون تحریم است چند نکته درباره مقاله "تحریم انتخابات توسط اپوزیسیون چقدر موثر است؟" (نهم فروردین ۱۳۶۹، سایت رادیو فردا) نوشته اکبر گنجی کفایت می کند.

اکبر گنجی مخالف تحریم است اما معیار پیروزی تحریم را هنگامی می داند که ۷۰ درصد به آن عمل کنند و فقط ۳۰ درصد رای بدهند. این درصدها از کجا آمده است؟ از مقررات تحریم؟ چرا این درصدها در مخالفت با تحریم و به نفع اکبر گنجی تعبیه شده است؟ آیا این درصدها توسط خود گنجی رندانه ساخته نشده تا هدف تحریم کنندگان را دست نیافتی جلوه بدهد تا تشویق شوند که رای بدهند.

اکبر گنجی تحریم انتخابات را غیر موثر می داند زیرا به رای نیروی موثر طرفداران تحریم برای رئیس جمهور شدن روحانی نیاز دارد. اگر طرفداران تحریم همانند گنجی آنرا غیر موثر بدانند اما اعلام کنند که به کاندید خامنه ای و سپاه رای می دهند عقل سلیم حکم می کند گنجی طرفدار تحریم شود! وی مخالف تحریم است زیرا جناح سیاسی که به آن تعلق دارد، با روشی که در رژیم اسلامی رئیس جمهور تعیین می کنند، مطابق ادعای خود گنجی نیروی کافی برای پیروز شدن ندارد و محتاج رای تحریم کنندگان است.

در عرف سیاسی نیروهایی که برای پیروزی به هم نیاز دارند با هم ائتلاف می کنند و در یک بده و بستان بر سر برنامه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی معینی همکاری می کنند. منتها اکبر گنجی می خواهد بجای یک بده بستان سیاسی مدرن آنرا برای روحانی مجانی تمام کند. و برای این هدف تحلیلی با این مضمون ارائه میدهد: با تحریم انتخابات یکی از عناصر سپاه و خامنه ای رئیس جمهور میشود و کشور را به سمت جنگ و خرابی می رود. بنابراین مسئول هرگونه عواقب رئیس جمهور شدن عوامل خامنه ای و سپاه به عهده تحریم کنندگان انتخابات است.

مسئول انتخاب نشدن روحانی کارنامه اش است. بعنوان مثال دولت روحانی لایحه تغییر قانون کار را به مجلس برده تا از آنچه که هست ضد کارگری تر شود. وزارت اطلاعاتش دائما فعالین کارگری را احضار، تهدید، دستگیر، شکنجه و برایشان پرونده سازی می کند. اکبر گنجی باید بداند که مسئول تمامی فجایع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی در ایران با هر دوجناح و کلیت رژیم اسلامی است از ابتدا تا کنون و منجمله خود آقای گنجی. سهم نیروهای مخالف و سوسیالیست اخراج از کار، زندان، شکنجه، مرگ و برای خوش شانسها آوارگی و تبعید بوده است.

علاوه بر اینها، اکبر گنجی در باد کشتار و قلع و قمع اپوزیسیون انقلابی و سوسیالیست توسط جانپان حاکم بر ایران می خوابد و به آنها سرکوفت می زند که فاقد شخصیت‌های دارای پایگاه اجتماعی هستند و لذا بی تاثیرند. (۱) اپوزیسیون انقلابی و سوسیالیست شخصیت‌های داخل کشوری بسیاری دارند که در زندانند و دهها هزار از آنها در همان زمانی که اکبر گنجی پاسدار بود، توسط آدمکشان حاکم کشته شدند و در گورهای بی نام و نشان و دسته جمعی دفن شده اند، البته در زمان قدرت داشتن همان شخصیت های مرجع اکبر گنجی نظیر "میر حسین موسوی، مهدی کروبی، سید محمد خاتمی، بیت آیت الله منتظری".

۱ – "افراد و گروه های مقیم خارج از کشور، با وجود تمامی رسانه هایی که از آن ها استفاده کرده و می کنند و همه مطالباتشان را با صدها شاهد و قرینه در آن ها عرضه می دارند (تلویزیون های بی بی سی، وی او ای، رادیو فردا، رادیو زمانه، رادیو دویچه وله، ده ها وبسایت، یوتیوب، میلیون شبکه اجتماعی شخصی چون کانال تلگرام و فیس بوک و توئیتر و

اینستاگرام و...)، فاقد مرجعیت شخصیت ها و افراد داخل کشور هستند. یعنی هیچ یک دارای پایگاه اجتماعی شخصیت هایی چون مهندس میر حسین موسوی، مهدی کروبی، سید محمد خاتمی، بیت آیت الله منتظری، و... نیستند. وقتی این ها مردم را به شرکت در انتخابات فرا بخوانند، تحریم انتخابات توسط همه مخالفان مقیم خارج فاقد تأثیر خواهد شد."